

سؤالات چهارگزینه‌ای (۲ نمره)			
الف - ۱	الف - ۲	ج - ۳	د - ۴
سؤالات تشریحی (۱۸ نمره)			
<p>۱- «مبتدای وصفی» و «مبتدای اسمی» را تعریف کرده، بیان کنید هریک از مثال‌های زیر کدام یک از این دو به شمار می‌آید. (أ) أقائم الزیدان : (ب) زیدٌ قائمٌ :</p> <hr/> <p>مبتدای وصفی: صفتی که پس از نفی یا استفهام قرار گیرد و اسم ظاهر یا آنچه را در حکم اسم ظاهر است، رفع بدهد. (۷۵/.) مبتدای اسمی: اسم مجرد از عوامل لفظیه که مسند الیه باشد. (۷۵/.) (أ) مبتدای وصفی (۲۵/.) (ب) مبتدای اسمی (۲۵/.)</p>			
<p>۲- در اسم‌های مشخص شده زیر، نوع اعراب (رفع، نصب، جرّ) و علامت آن را مطابق نمونه مشخص کنید. نمونه: مات رَجُلَانِ : مرفوع، علامت رفع «الف» (أ) رأيتُ مُسْلِمَاتٍ : (ب) مررت بِزَيْنَبَ : (ج) جاتني قاضٍ : (د) رأيتُ كِلَيْهِمَا :</p> <hr/> <p>(أ) منصوب، علامت نصب كسره (ب) مجرور، علامت جرّ فتحه (ج) مرفوع، علامت رفع ضمة تقدیری (د) منصوب، علامت نصب حرف «ياء»</p>			
<p>۳- با توجه به نمونه، نوع منادی و اعراب آن را در گزینه‌های زیر تعیین کنید. نمونه: یا زیدُ: «زیدُ» منادی مفرد معرفه، مبنی بر ضمّ (أ) یا طالعاً جبلاً: (ب) یا لَزیدُ: (ج) یا عبدَالله: (د) یا رجلاً :</p> <hr/> <p>(أ) «طالعاً» منادی شبه مضاف، منصوب (ب) «لَزیدُ» منادی مستغاث، مجرور (ج) «عبدالله» منادی مضاف، منصوب (د) «رجلاً» منادی نكرة مقصوده، مبنی بر «الف»</p>			
<p>۴- کلمات مشخص شده زیر کدامیک از حالت‌های پنجگانه باب اشتغال هستند. (وجوب رفع، وجوب نصب، رجحان نصب، رجحان رفع، تساوی نصب و رفع) (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ گوید) (أ) زیدٌ قامَ وَعَمراً أكرمتهُ : (ب) خَرَجْتُ فإذا زیدٌ يَضْرِبُهُ عَمْرُو : (ج) إذا زیداً لَقِيتهُ فَأكرمتهُ : (د) زیداً اِضْرِبْهُ : (هـ) هَلَّا زیداً أكرمتهُ : (و) قامَ زیدٌ وَعَمراً أكرمتهُ :</p> <hr/> <p>(أ) تساوی رفع و نصب (ب) وجوب رفع (ج) وجوب نصب (د) ترجیح نصب (هـ) وجوب نصب (و) ترجیح نصب (۴ مورد - هر کدام ۵/ نمره)</p>			
<p>۵- «قَدْ يَكْتَسِبُ الْمُضَافُ الْمَذْكُورُ مِنَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ الْمُؤَنَّثُ تَأْنِيَهُ وَبِالْعَكْسِ بِشَرْطِ جَوَازِ الْاسْتِغْنَاءِ عَنْهُ بِالْمُضَافِ إِلَيْهِ، كَقَوْلِهِ: "كَمَا سَرَقْتُ صَدْرُ الْقَنَاةِ مِنَ اللَّدْمِ"، وَمِنْ تَمَّ امْتِناعُ "قَامَتِ غُلَامٌ هِنْدٌ".» (أ) شرط جواز كسب تأنيث مضاف از مضاف الیه را با توجه به مثال یادشده در متن بیان کنید. (ب) علت امتناع «قامت غلام هند» را توضیح دهید.</p> <hr/> <p>(أ) جایز است از مضاف بی‌نیاز شویم (جواز جانشینی مضاف الیه به جای مضاف بدون تغییر معنی در کلام) (۱) (ب) چون در این مثال اگر مضاف حذف شود و مضاف الیه به جای آن قرار داده شود، معنایی متفاوت به دست می‌آید/ تغییر معنایی ایجاد می‌شود. (۱)</p>			
<p>۶- جواز و عدم جواز آمدن حال از مضاف الیه را در مثال‌های زیر با ذکر علت بررسی کنید. (أ) جاتني غلامٌ هندٍ راکبَةً : (ب) أعجبنني وجهٌ هندٍ راکبَةً : (ج) أعجبنني ذهابكُ مُسرِعاً : (د) فاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً :</p> <hr/> <p>(أ) جایز نیست، زیرا مضاف الیه (هند) نمی‌تواند به جای مضاف (غلام) قرار گیرد. (ب) جایز است، زیرا مضاف (وجه) بخشی از مضاف الیه (هند) است. (۱) (ج) جایز است، زیرا مضاف (ذهاب) عامل نصب در حال (مسرِعاً) است. (د) جایز است، زیرا مضاف الیه (ابراهیم) می‌تواند به جای مضاف (ملة) قرار گیرد. (۱)</p>			

۷- عبارات زیر کدامیک از مواضع جواز عود ضمیر بر متأخر لفظی و رتبی است. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ گویند)

(أ) نَعَمْ رَجُلًا زَيْدٌ : (ب) صَرَبْتَهُ زَيْدًا : (ج) زَيْبُهُ رَجُلًا : (د) هُوَ الْأَمِيرُ رَاكِبٌ : (هـ) أَكْرَمَانِي وَأَكْرَمْتُ الزَّيْدِينَ : (و) إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ :

(أ) ضمیر، فاعل مستتر در فعل «نعم» است که به تمییز (رجلاً) باز می‌گردد.

(ب) در جایی که از ضمیر، اسم ظاهر بدل آورده شود.

(ج) در جایی که ضمیر مجرور به زُبَّ شده و برای آن تمییز آورده شود.

(د) ضمیر شأن است که مرجعش جمله پس از آن است.

(هـ) در صورتی که در باب تنازع عامل اول مرفوع طلب و عامل دوم منصوب طلب باشد و عمل را به عامل دوم بدهیم.

(و) ضمیر شأن است که مرجعش جمله پس از آن است.

(۴ مورد - هر کدام ۵/۰ نمره)

۸- ترکیب کلمات مشخص شده در عبارات زیر را بنویسید.

(أ) لَا رَجَالَ فِي الدَّارِ : (ب) هَذَا خَاتَمُكَ فَضَّةٌ : (ج) طَفِقَ زَيْدٌ يَكْتُبُ : (د) جَنَّتْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ :
(هـ) مَنْ صَرَبْتِ؟ : (و) صَرَبْتَهُ تَأْدِيًّا : (ز) لَبِيكُ يَا حَسِينُ : (ح) دَخَلْتُ الدَّارَ :

(۸ مورد - هر کدام ۲۵/۰)

(أ) اسم لای نفی جنس (ب) تمییز (ج) خبر افعال مقاربه/ فعل شروع (د) مفعول فیه/ ظرف
(هـ) مفعول به (و) مفعول له (ز) مفعول مطلق (ح) مفعول به

۹- «يَخْتَصُّ عَسَى» و «أَوْشَكَ» باستغنائهما عَنِ الْخَبْرِ، فِي نَحْوِ: «عَسَى أَنْ يَقَوْمَ زَيْدٌ». وَإِذَا قُلْتَ: «زَيْدٌ عَسَى أَنْ يَقَوْمَ»، فَلَكَ وَجْهَانِ: [۱] إِعْمَالُهَا فِي صَمِيرٍ «زَيْدٌ»، فَمَا بَعْدَهَا خَبْرُهَا؛ و [۲] تَفْرِيفُهَا عَنْهَا، فَمَا بَعْدَهَا اسْمٌ مُغْنٍ عَنِ الْخَبْرِ. وَيُظْهَرُ أَثَرُ ذَلِكَ فِي التَّأْنِيثِ وَالتَّثْنِيَةِ وَالجَمْعِ».

(أ) دو ترکیب «زید عسی آن یقوم» را بنویسید.

(ب) جای خالی در مثال زیر را بنا بر هر دو وجه یادشده در متن با فعل مناسب از ماده «عسی» پر کنید.

ب. ۱) الزیدان آن یقوما (وجه اول) ب. ۲) الزیدان آن یقوما (وجه دوم)

(أ) ۱- اسم «عسی» «هو» مستتر ، و «أَنْ يَقَوْمَ» خبر آن، ۲- «أَنْ يَقَوْمَ» اسم «عسی»، بی‌نیاز کننده از خبر (۱)

ب. ۱) عسیا (۵/۰)

ب. ۲) عسی (۵/۰)